

ایران مهد فرهنگ و تمدن های باستان

سیستان یکی از افتخارات کشور ما

دکتر فرخ ملک‌زاده

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

بصورت دلتائی بوده است^۱ و به علت حاصلخیزی این ناحیه

۱ - از مقاله «جغرافیای طبیعی سیستان» بقلم آقای محمداعظم سیستانی در مجله آریانا شماره ۱ (شماره مسلسل ۲۷۴) چاپ افغانستان ۱۳۴۶ خورشیدی صفحه ۱۴ .

۲ - درباره زبان ولهجه‌های محلی سیستان نگاه کنید به مقاله ریچارد فرای «سفر بیابانک و سیستان و بلوچستان» در مجله دانش سال دوم ۱۳۳۰ خورشیدی صفحات ۵۲۷ - ۵۳۳ و مقاله «ترانه‌های زابل»

بقلم آقای منوچهر برشاد در مجله پیام نو جلد ۴ شماره ۹ صفحه ۹۲ و مقاله «مد و آواز سیستانی» بقلم آقای ایرج افشار در مجله یغما سال هفتم ۱۳۳۳ خورشیدی صفحات ۴۶۰ - ۴۶۴ .

۳ - Ariaspi به معنی راننده اسب توانا .

۴ - Ewergata به معنی یاری کننده .

۵ - سوشیات یا سوشیاس عنوان هریک از سه موعود زردشتی و مخصوصاً عنوان آخرین موعود زردشتی که در اوستا استوت ارت (astvat ereta) خوانده شده و از او به عنوان سوشیات پیروزگر یاد شده است . سوشیات مزدیسنان پستزه‌گریشای برهمنان ، بودای پنجم بودائیان ، مسیح یهودیان ، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است ؛ دایرة‌المعارف فارسی جلد اول . به سرپرستی غلامحسین مصاحب ، چاپ تهران ۱۳۴۵ خورشیدی صفحه ۱۳۷۳ .

۶ - دایرة‌المعارف فارسی فوق‌الذکر صفحه ۱۴۰۶ .

۷ - درباره گفتار فردوسی نگاه کنید به شاهنامه فردوسی «داستان منوچهر» ابیات شماره ۲۹۷ ، ۱۶۳۲ ، ۱۸۱۸ و «داستان نوزده» ابیات شماره ۳۹۹ ، ۱۳۵۱ و «داستان کیکاوس» ۵۰۰ ، ۱۰۲۸ و «داستان کیخسرو» ۳۵۶ ، ۱۱۰۷ ، ۱۱۳۰ ، ۳۰۰ و «داستان کشتاب» ۹۹۴ ، ۱۰۲۱ ، ۱۱۵۳ ، ۲۵۱۷ ، ۲۵۶۹ ، ۳۰۲۷ ، ۳۳۵۶ ، ۳۶۶۲ ، ۳۸۵۹ ، ۴۱۱۲ ، ۴۱۷۴ ، ۴۳۶۳ و «داستان بهمن» ۳۳ ، ۶۱ .

۸ - گاهی هیلند ذکر شده است .

۹ - گاهی گوذیره ذکر شده است . برای اجرای مراسم باستانی در سیستان نگاه کنید به کتاب جشنهای باستانی ایران از آقای علی خورش دیلمانی . بخش پنجم «اجرای مراسم نوروز در سیستان و در کنار دریاچه هامون» چاپ تهران ۱۳۴۲ خورشیدی صفحات ۳۰ - ۳۷ .

۱۰ - مقاله «کلیات راجع به جغرافیای ایران» بقلم ا . بونیفاسیوا (A. Bonifacio) در کتاب تمدن ایرانی ترجمه دکتر عیسی بهنام چاپ تهران ۱۳۳۷ خورشیدی صفحات ۲۶ - ۲۷ .

آنجا که دشت‌های وسیع و پهناوری وجود دارد .

آنجا که جز تپه‌ها و پشته‌های ریگی، کوهی بنظر نمیرسد.

آنجا که شن‌ها راه می‌روند .

آنجا که باد محشر میکند .

آنجا که فقط دو موسم دارد .

آنجا که زمی‌ش پیوسته فرو می‌رود ؟

آنجا سیستان سرزمین شگفتی‌هاست^۱ .

سیستان در جنوب شرقی ایران فعلی قرار دارد و بین اراضی

خراسان و بلوچستان واقع است . مرکز آن شهرستان زابل است

این ایالت در حدود بیش از ۱۸۵ هزار نفر جمعیت و ۷۰۰

دهکده دارد .

قدیمترین نام این سرزمین زرتنگ (مغرب آن - زرنج)

بوده است که تا حمله سکاها بهمین نام خوانده میشده است .

سپس بواسطه آمدن سکاها به این سرزمین نام این منطقه سگستان

(عربی) سجستان ، زابلستان (بخاطر نام شهر زابل) ملک

نیمروز و بالاخره امروز سیستان نامیده میشود^۲ .

سیستان در زمان هخامنشیان یکی از مهم‌ترین ساتراپی‌ها

محسوب میشده است که در نوشته‌های بهمانندیم از آن عظمی از این

محل بارها ذکر شده است بنا بر گفته مورخین یونانی داریوش

کبیر در هنگام جنگ به ساکنین آنجا به ویژه به تیره آریاسپی

لقب اورگاتا^۳ داده است . سیستان در افسانه‌های ایران اهمیت

بسیار داشته است و احتمالاً یکی از مراکز دین زرتشت بوده

و بر طبق روایات زردشتی سه پسر زردشت از کناره‌ها مون سیستان

ظهور خواهند کرد^۴ سیستان زادگاه رستم است و بنا به روایات

شاهنامه فرمانروای سیستان بمعنی وسیع آن یعنی زابل یا

زابلستان ، بست ، غزنه و گابلستان بوده است^۵ و اصولاً سیستان

موطن و مقربهلوانان باستانی ایرانی معرفی شده است^۶ .

تمام خاک سیستان در گذشته بوسیله آب رودخانه هیرمند

که در آن جاری بوده مشروب میگرددیده است (شکل ۱) و این

اراضی در میان رودخانه هیرمند^۷ و دریاچه هامون و گوذره^۸

در قدیم آنرا (مصر ایران) مینامیده‌اند و جغرافی‌دانهای عرب در قرون وسطی تمام قسمت شرقی ایران را خراسان یعنی کشور خورشید نامیده‌اند.^{۱۱}

تمام اراضی سیستان سابق فعلاً جزء کشور ما نیست زیرا پس از تشکیل کشور افغانستان فقط قسمت کوچکی از سیستان سابق بنام شهرستان زابل در ایران باقی‌ماند و قسمت بیشتر آن شمیمه خاک افغانستان گردید.^{۱۲}

با کشف آثار فراوان مربوط به دوران پیش از تاریخ در سیستان^{۱۳} این موضوع به اثبات رسیده است که این محل پیش از آمدن هند و اروپائیان و یا گروه آریائی محل سکونت اقوام مختلفی بوده است.^{۱۴} از جمله آثار پیش از تاریخ این ناحیه سفالهای سیاه و قرمز رنگ مکشوف از قبرستان ابراهیم‌خان است که در ۱۱۰ کیلومتری مغرب شهر زابل در جنوب جاده زاهدان به زابل واقع است، همچنین آثار مهمی از شهر سوخته در ۶۷ کیلومتری غرب شهر زابل در شمال جاده زاهدان زابل کشف شده است که تقریباً مربوط به اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد است.^{۱۵} در این محل آثار یک آتش-سوزی عظیمی را میتوان مشاهده نمود.

سیستان در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز بسیار آباد بوده و یکی از مهمترین مراکز عمده آن عصر محسوب میشود است. در دوران اسلامی زمانی آباد و زمانی ویران شده

است در زمان حمله مغول و تاتار به ایران ساکنان این ناحیه به علت ایستادگی، مقاومت و مبارزه مردانه مورد خشم و غضب مهاجمین قرار گرفته پس از شکست اهالی سیستان تمام شهرها و دهات آنها ویران گردید.

ولی اینرا هم باید ذکر نمود که وزش بادهای معروف در سیستان برای آن سامان نعمتی بشمار میرود زیرا پشه و مگس و میکربهای حصبه و آبله و سایر ناخوشیها را از بین میبرد و بدون وزش این باد زندگی در ماههای تابستان امکان پذیر نیست ظاهراً منشاء این بادهای پامیر است که از آنجا بطرف سرحد ایران و افغانستان منتقل میشود.^{۱۶}

از آثار پیش از اسلام این منطقه میتوان آثار کوه خواجه (غرب زابل) (شکل ۲) و تپه گرگویی (واقع در بخش میانکنگی مجاور مرز افغانستان) و آتشکده‌های آنجا (کنار قریه کمک واقع در بخش شهرکی و ناروتی) و قلعه شهرستان (نام امروزی آن تپه شهرستان) و قلعه سام یا قلعه سار (تزدیک ناحیه سه کوه در بخش شیب آب)، حصک و قلعه تپه (تزدیک قاسم آباد واقع در شرق زابل)^{۱۷} و دهانه غلامان (واقع در ۴ کیلومتری جنوب شهر زابل) را نام برد.^{۱۸}

رام شارستان^{۱۹} و اگر یاسپ^{۲۰} و درانجیانان^{۲۱} پایتخت‌های سیستان در زمان اسکندر مقدونی بوده که خرابیهای آنها امروز در دهلتای تراکو^{۲۲} بنام رامرود معروف است.^{۲۳}

سطری واجع به حفاری هیئت مشترک باستان‌شناسی ایران و ایتالیا به ریاست پروفیسور گیوزپ نوچی ذکر شده است.

۱۶ - برای بادهای فوق‌الذکر نگاه کنید به کتاب تاریخ ایران اثر سریریس ساییس (ترجمه سیم محمدتقی فخر داعی گیلانی) جلد اول چاپ دوم تهران ۱۳۳۵ خورشیدی از صفحه ۵ و کتاب جغرافیای مفضل ایران اثر مسعود کیهان جلد دوم چاپ تهران ۱۳۱۱ خورشیدی صفحه ۱۲۷. همچنین آقای Tate نقشه بردار و باستان‌شناس، اطلاعات جالبی درباره سیستان منتشر کرده است:

- A - Investigations in Seistan.
- B - The Frontier of Baluchistan.
- C - Coins and Seals collected in Siestan.
- D - Seistan: A memoir on the history of Seistan.

۱۷ - برای آثار باستانی سیستان نگاه کنید به کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران چاپ تهران اسفند ۱۳۴۵ خورشیدی صفحه ۵۶.

۱۸ - راجع به حفاری دهانه غلامان نگاه کنید به کتاب *East and West* شماره ۱ و ۲ جلد ۱۶ چاپ رم ۱۹۶۶.

- ۱۹ - Ramsharestan
- ۲۰ - Agriaspas
- ۲۱ - Drangiana
- ۲۲ - Taraku
- ۲۳ - Ramrud . از مقاله آقای محمد اعظم سیستانی فوق‌الذکر

جامع علوم انسانی

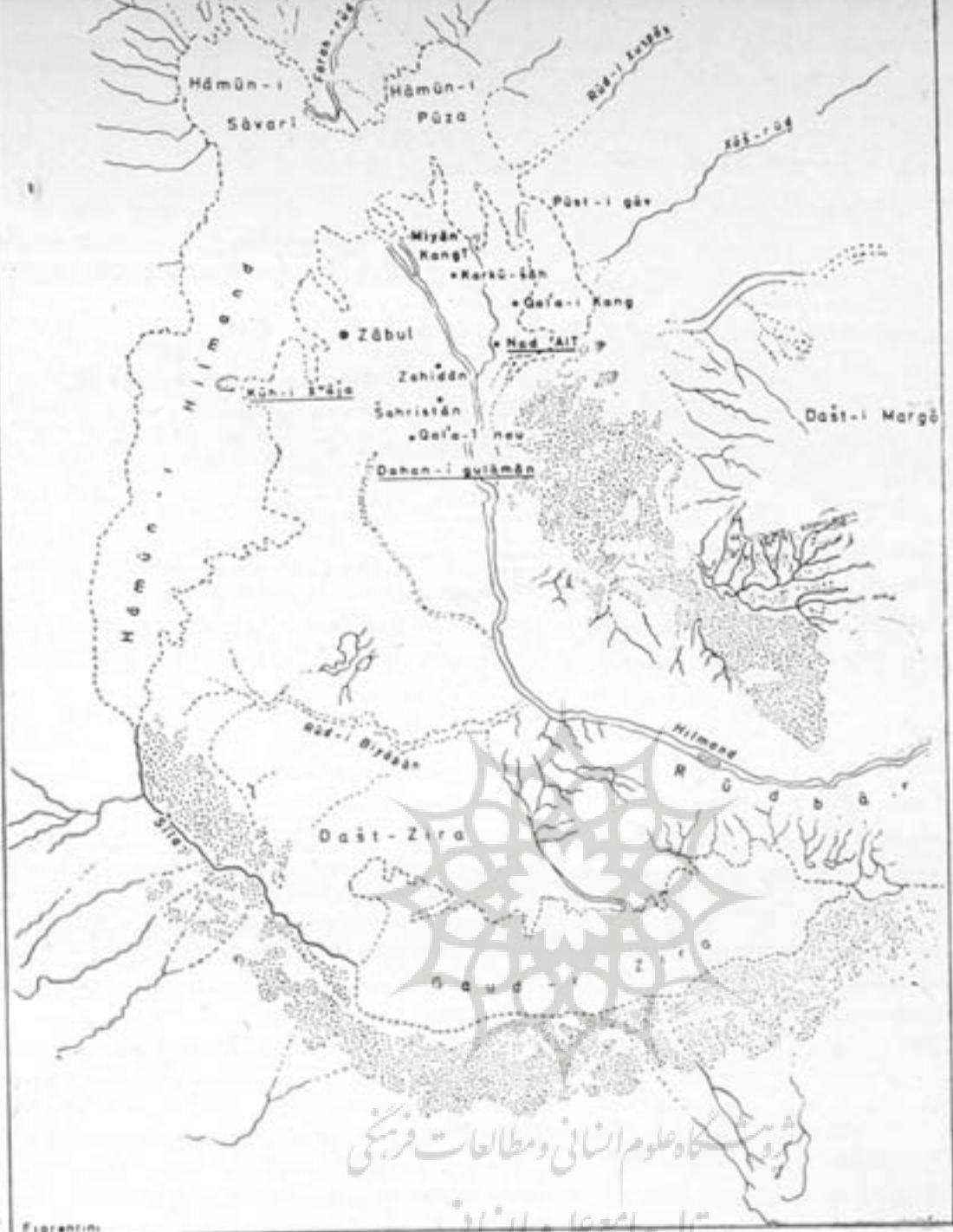
۱۱ - نگاه کنید به کتاب تاریخ تمدن ایران . تهران ۱۳۳۸ صفحه ۳۲ از نشریات مؤسسه مطبوعاتی گوتنبرگ .

۱۲ - برای تقسیم سیستان بین افغانستان و ایران در سال ۱۸۷۲ سر فردریک گولدمید از طرف دولت بریتانیا به ریاست «کمیسیون سیستان» انتخاب گردید . ولی کارهای تعیین خط سرحدی را هیئت دیگری به ریاست سر هنری مک‌ماتن (ماکماهون) در سالهای ۱۹۰۳-۵ انجام داد . بموجب این تقسیم از تمام سیستان ۷۲۸۰ کیلومتر مربع به ایران تعلق گرفت : دایرة المعارف فارسی فوق‌الذکر صفحات ۶۴۰۶ - ۶۴۰۷ .

۱۳ - درباره جغرافیا و جغرافیای تاریخی سیستان نگاه کنید به مقاله «رود هیرمند» بقلم آقای محمدعلی مخیر در شماره ۵ جلد ۲ مجله یادگار صفحات ۳۴ - ۴۰ . و مقاله «دیداری از سیستان» بقلم آقای ایرج افشار در شماره ۷ مجله یغما ۱۳۳۳ خورشیدی صفحات ۴۹۰ - ۴۶۴ و ۵۳۴ - ۵۴۱ . و مقاله «داور یا زمین داور» در جلد ۱ شماره ۴ مجله آریانا ۱۳۲۴ خورشیدی صفحات ۱۶ - ۲۳ .

۱۴ - برای بعضی از مطالب جالب درباره سیستان نگاه کنید به مقاله «جنگل کاری در سیستان» بقلم آقای مهندس محمدحسن جزیره‌ای در نشریه بنگاه جنگلها شماره ۵ و ۶ سال ۴ مرداد و شهریور ۱۳۳۲ صفحه ۲۷ و مقاله «سدهای سیستان» در مجله آب شماره ۳ دوره ۲ فروردین ۱۳۳۵ و مقاله «سیستان» در مجله آهنگ شماره ۱ سال ۳ و مقاله «سیستان امروز و سیستان آتیه» در مجله فلاح و تجارت شماره ۲ صفحات ۷۱-۷۶ .

۱۵ - در شماره اول مجله باستان‌شناسی و هنر که تاریخ چاپ آن زمستان ۱۳۴۷ ذکر شده ولی در سال ۱۳۴۸ توزیع گردیده است در قسمت «فعالیت‌های باستان‌شناسی از فروردین تا آذر ۱۳۴۷» در صفحه ۸۵ چند



۱- توضیح اشکال - نقشه‌ای که هیئت باستانشناسی ایتالیایی از ناحیه گاوش فراهم نموده است

دهانه غلامان در ۴۴ کیلومتری شهر زابل و ۴ کیلومتری قلعه نو واقع است (شکل ۳) که در پائیز سال ۱۳۴۳ خورشیدی هیئت علمی ایتالیا^۴ با همکاری مأموران اداره کل باستانشناسی تحقیقات و حفاری‌های جالبی در آن بعمل آوردند. در قسمت شمال غرب دامنه دهانه غلامان آثار یک معبد (?) مربوط بدوران هخامنشی کشف و خاکبرداری گردید که با ابعاد ۵۴×۵۴ متر میباشد. در چهار گوشه این معبد چهار برج دیده‌بانی وجود داشته است برای ورود باین معبد فقط یک در در ضلع جنوبی موجود

از آثار دوران اسلامی سیستان میتوان آثار رامرودی - نمرودی (در ۱۰۰ کیلومتری غرب شهر زابل) و بی‌بی‌دوست (در فاصله ۱۷ کیلومتری شمال شرق زابل)، زاهدان کهنه (محل که تیمور در آنجا یک پای خود را از دست داد)، مناره یا میل قاسم‌آباد را ذکر نمود و چون امکان بحث و گفتگو درباره تمام آثار فوق‌الذکر در این مقاله کوتاه میسر نیست فقط درباره یکی از آثار دوران هخامنشی که بکار نگارنده نیز نزدیک‌تر است میپردازیم :



۳ - عکس هوایی محوطه داخلی آتارکوه خواجه

سه در مشرق و یا دو در جنوب و یا دو در مغرب به اطاقهای اطراف داخل شد .

در داخل این بنای عظیم ستونهای قطوری بابعاد ۱۱۰×۱۱۰

۲۴ در سالهای اخیر از طرف دانشمندان ایتالیائی تحقیقات درمکانی در منطقه سیستان بعمل آمده است که چند کتاب مهم در این باره منتشر شده است از جمله :

Paolo Daffina, *L'Immigrazione Del Saka Nella Drangiana*, Vol. IX Roma 1967

Gherardo Gnoli, *Ricerche Storiche Sul Sistan Antico*, Vol. X Roma 1967

که هر دو از طرف مؤسسه

Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente (Centro studi E Scavi Archeologic in Asia)

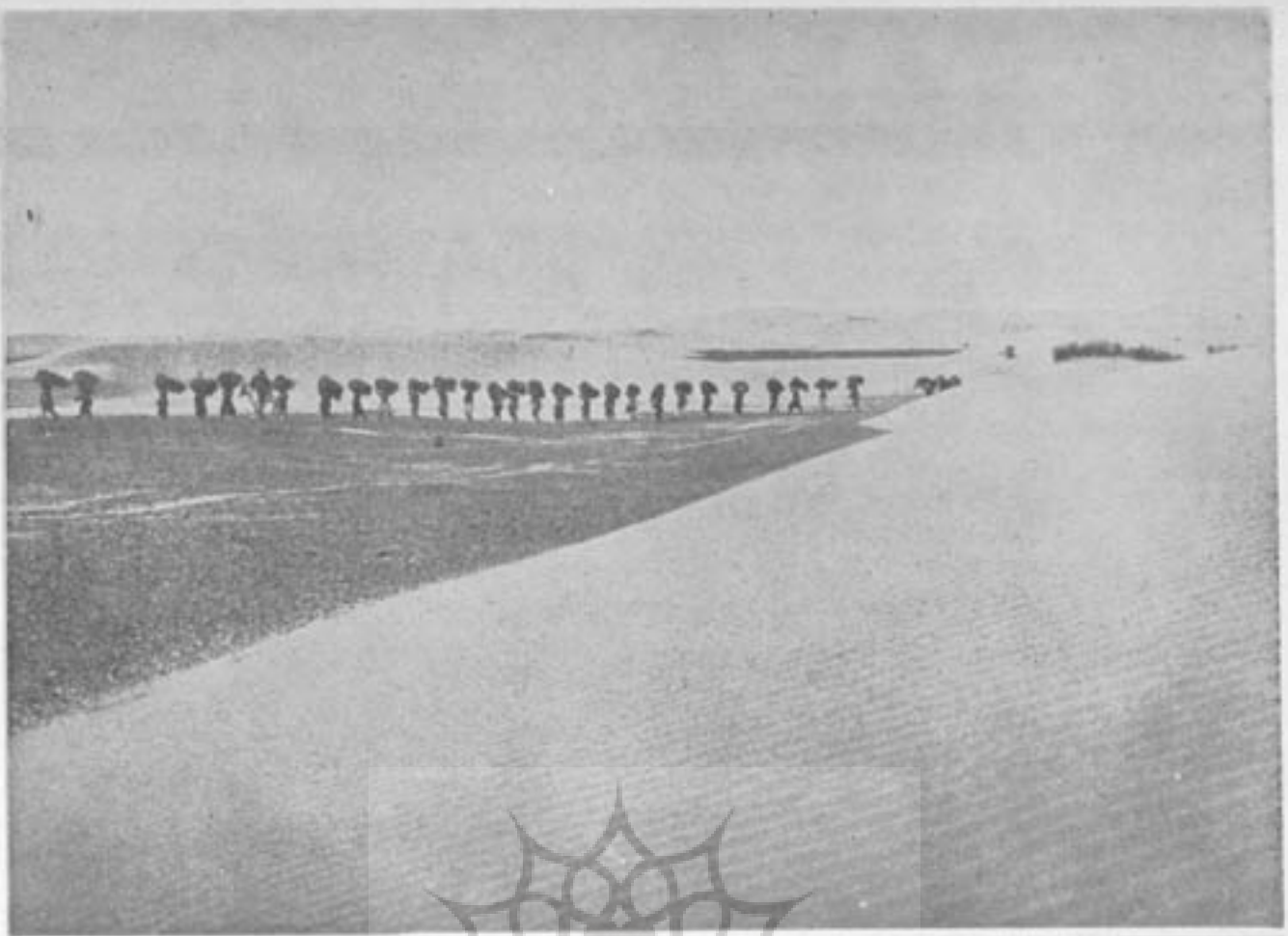
منتشر شده است .

۲۵ - درباره این حفاری آقای دکتر عیسی بهنام نیز مقالهای بنام «سیستان در دوران هخامنشی» در شماره ۶۹ مجله هنر و مردم تیرماه ۱۳۴۷ خورشیدی در صفحات ۵ - ۹ نگاشته اند .

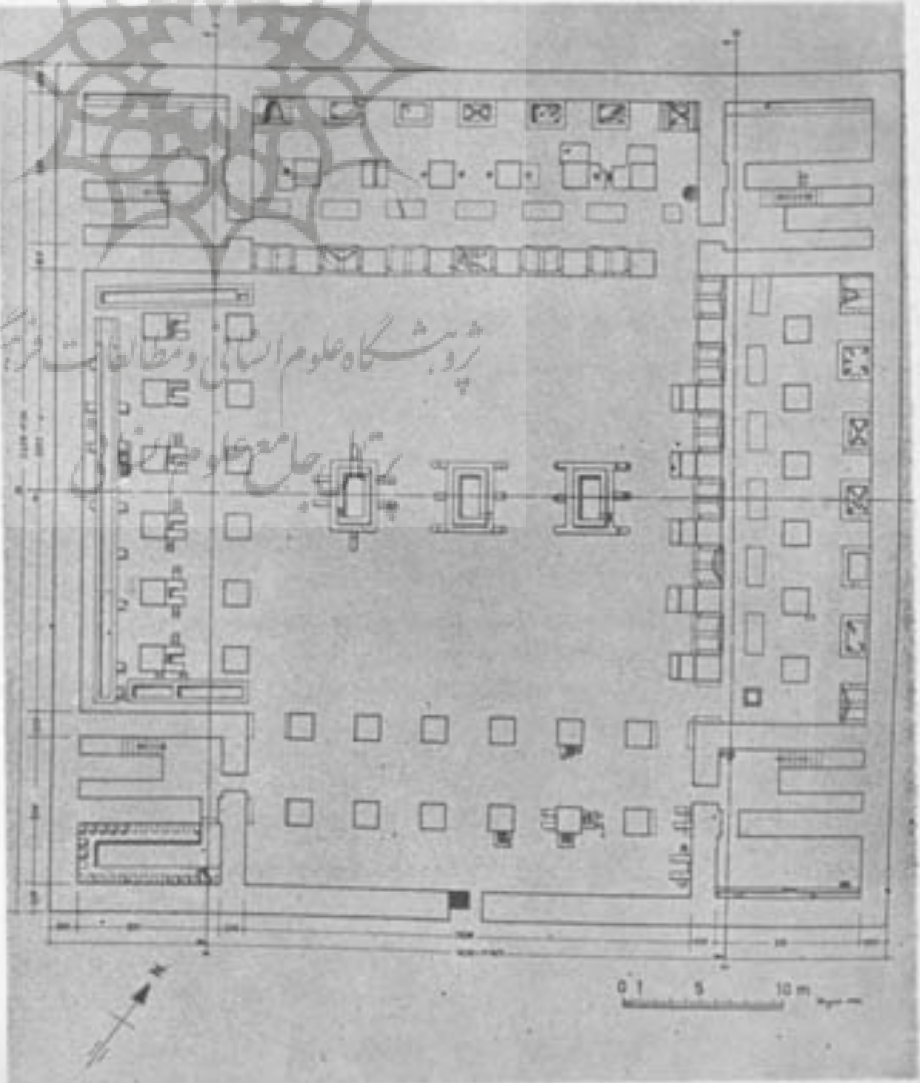
است این معبد در دونوبت مورد استفاده قرار گرفته و بنای آن دو طبقه است .

تمام بناها در دهانه غلامان از گل خام و با مصالح امروزی چینه است و خاک آن بقدری نرم و چسبنده است که وقتی با آب مخلوط شد از آجر هم سخت تر و محکمتر میگردد^{۳۵} و همین دلیل از زیرش های بیابان تقریباً سالم بیرون آورده شده است .

در قسمت شمال دهانه غلامان یک بنای بزرگی پیدا شد که بشکل مستطیل و بابعاد ۵۳/۶۰×۴۳ متر میباشد که دارای ۴۵ اطاق اصلی و دو اطاق الحاقی است. در قسمت شمال و مشرق این بنا ۱۲ اطاق، جنوب ۱۰ اطاق و مغرب ۱۱ اطاق قرار دارد تمام اطاقها بشکل مستطیل و بابعاد ۵/۲۰×۳۰/۴۰ متر میباشد و زوایای اطاقها نیز اکثراً ۹۰ درجه تمام و یا نزدیک به ۹۰ درجه هستند (شکل ۴) این بنا فقط یک در دارد که در قسمت مشرق واقع است پس از گذشتن از آنها در ورودی این بنا و داخل شدن به حیاط میتوان از سه دری که در قسمت شمال و یا

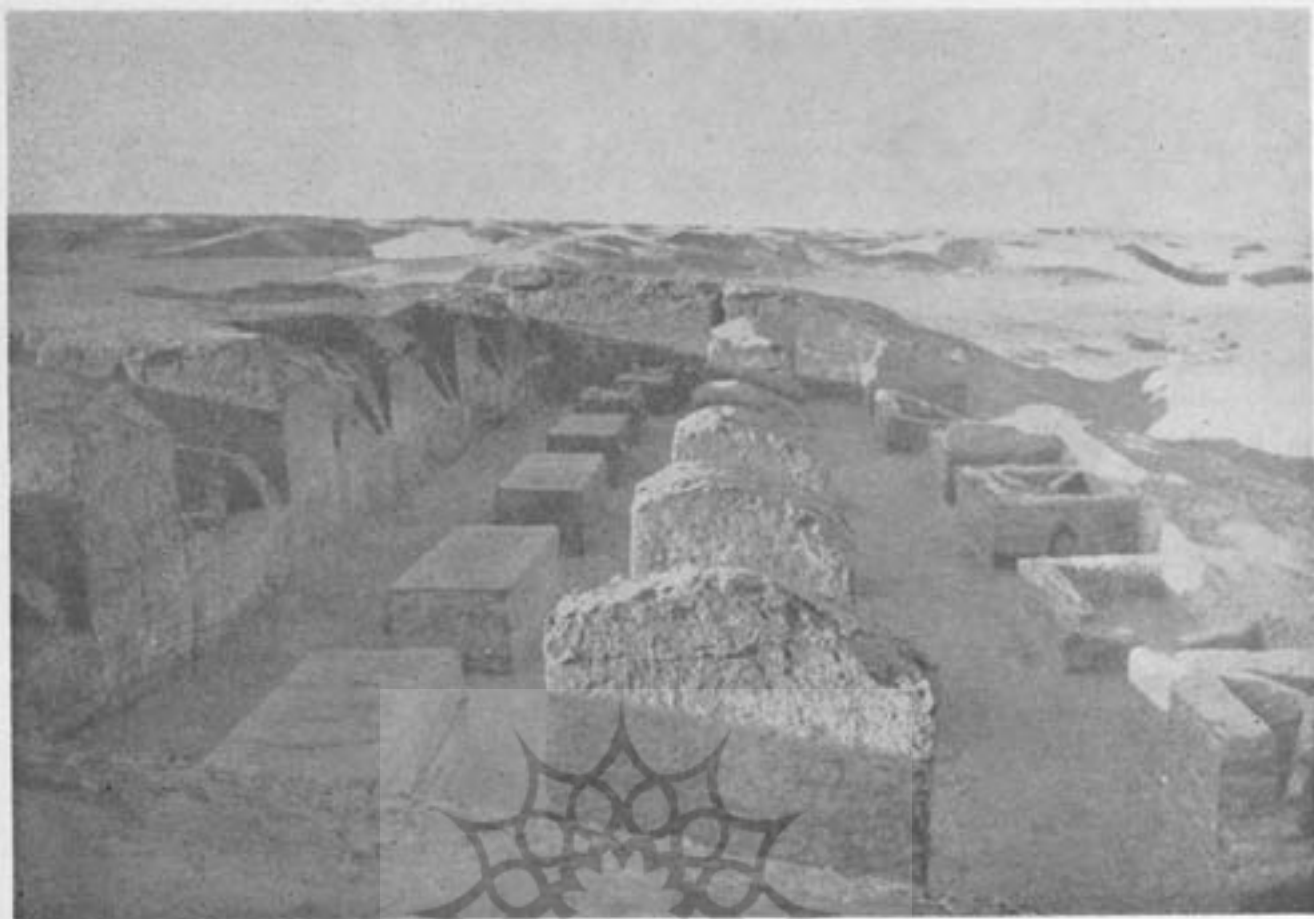


۳ - منظره‌ای از دشتهای مجاور دهانه
گلامان



۴ - نقشه ساختمان شماره ۳ که در سال
۱۹۶۳ خاکبرداری و حفاری گردید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه باستان‌شناسی



۵ - ساختمان شماره ۳ از طرف جنوب

کشف آثار دهانه غلامان از چند نظر دارای حائز اهمیت است اولاً نقطه توجه ودقت باستانشناسان ومحققان اکثراً معطوف به نواحی شمال و مغرب و جنوب ایران وبخصوص اطراف بین النهرین بوده است^{۲۷} وجهت شناخت تمدنهای باستانی

سانتیمتر وجود داشته که در قسمت شمال و جنوب ۹ و مشرق ومغرب ۷ ستون دارد که در بعضی قسمتها ستونها در دو ردیف میباشد^{۲۸} (شکل ۵).

ممالح ساختمانی در تمام این دهانه غلامان اکثراً از خشت خام میباشد که بابعاد ۵۱×۵۱ سانتیمتر وقطر ۱۱ ویا ۲۰ سانتیمتر است بجز آثار ذکر شده تعداد زیادی آثار سفالی وسنگهای آسیاب دستی واشیاء کوچک چوبی واستخوانهای کراز و چند اثر مهر بر روی گیل وآثار ساختمانی وغیره نیز پیدا شده است. (شکل ۶).

در اطراف حیاط مرکزی اماقهای متعدد و در چهار طرف آن رواق یا ایوان ستون داری وجود داشته است در داخل حیاط سه سکوی گلی قرار دارد که ارتفاع آنها کمی بیشتر از یک متر بوده وبوسیله چند پله بان راه می یافتند وآثار سوختگی روی این سکوها کاملاً هویدا است.

۲۶ - نگاه کنید به کتاب *East and West* فوق الذکر صفحات ۲۴ - ۹.

۲۷ - در مورد سیستان مقالات و کتابهایی نیز در ایران منتشر شده است که در بررسی این منطقه نگارنده از آنها هم سود جسته است. مقاله آقای حبیب الله سمدی در گزارش های باستانشناسی جلد سوم تهران ۱۳۳۴ خورشیدی. مجله ایران شهر که از طرف یونسکو در چاپخانه دانشگاه تهران طبع گردیده. ۱۳۴۲ خورشیدی. جلد اول صفحه ۸۸ - ۹۱ و جلد دوم صفحه ۱۲۲۴. کتاب تاریخ سیستان به تصحیح ملک الشعرای بهار. تهران ۱۳۳۵ - و کتاب تاریخ تمدن ایران از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی گوتمبرگ تهران ۱۳۳۸.

که سازندگان و برپاکنندگان تخت جمشید و پاسارگاد و غیره میباشند باید ما را و محل سکونت و لوازم آنها را کشف و حفاری و تحقیق نمود^{۲۸}. امیدوار است حفاری های اخیر همکاران گرامی ایرانی ما در تخت جمشید بتواند صفحه تازه ای در شناخت فرهنگ و هنر مردم عادی آن زمان بگشاید.

موضوع سوم طاق های بیضی شکل اطاقهای اینجاست که برخلاف سقف و پوشش سایر بناهای تخت جمشید افقی و صاف نیست. همچنین چگونه هنرمندان سیستان توانسته بودند بدون استفاده از آجر طاق بیضی شکل بزنند؟ در این مورد باید توجه داشت که هنرمندان محلی ایران قرنهای پیش از هخامنشیان توانسته بودند که با آجر یا بدون آجر طاق بیضی شکل بسازند که قدیمترین نمونه چنین طاقی توسط استاد گرامی دکتر نگهبان در حفاریهای اخیر هفت تپه اهواز کشف شده است که مربوط به اواسط هزاره دوم پ. م. میباشد که با احتمال قوی خیلی از فرضیات دانشمندان درباره مبدا و اصل طاقها تغییر خواهد یافت و این افتخار نیز نصیب هنر ایران خواهد گشت.

بدین سبب عملاً آثار مکتشف در دهانه غلامان فرضیه فوق الذکر را در مورد بسیاری از مسائل هنری و معماری رد نموده و معلوم گردید که هنر هخامنشی در قید و بند ضوابط و چهارچوبهای زائد قرار نداشته است هنرمندان محلی در هر محل بنابه مقتضیات، آب و هوا و سایر عوامل قادر بایجاد و خلق آثار جالب و متنوعی بوده اند که از نظر اصول و سبک و فرم از یک سرچشمه و منبع هنری بسیار قوی که همان مکتب هنر هخامنشی است الهام گرفته اند و عملاً هنر هخامنشی تلفیق هنرهای همزمان و بوجود آوردن محیطی برای شکفتگی ذوق و سلیقه و استعداد هنرمندان بوده است.

بر اساس این دلایل و کشفیات بخوبی میتوان ارزش واقعی سرزمینهای غنی ایران را شناخت زیرا هر گوشه کشور ما موزه کاملی و نمونه ای است برای معرفی تمدنهای باستانی.

منظور از کلمه غنی اینست که در دل خاکهای کشورهای پهنانور ما دوسر ماهه مهم نهفته است: نفت و آثار باستانی^{۲۹}. که از دیدگاه علم و دانش و از نظر کیفیت ارزش آثار باستانی بر مراتب بیشتر از نفت است بدین سبب بر ماست که سرمایه های جاودانی و باستانی، در واقع افتخارات و نوامیس باستانی خود را بهتر بشناسیم و در حفظ و حراست آنها بیشتر کوشا باشیم.

۲۸ - مقاله «نقوش زن در هنر هخامنشی» در شماره مسلسل ۶۵ و ۶۶ شماره اول و دوم سال شانزدهم مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران آذرماه ۱۳۴۷ خورشیدی صفحات ۱۱۱ - ۱۱۵ بقلم نگارنده.

۲۹ - سخنرانی آقای دکتر غلامعلی هابون در برنامه مرزهای دانش رادیو ایران در تاریخ بهمن ماه ۱۳۴۷.



۶ - محل های مخصوص برای برافروختن آتش در ساختمان شماره ۳

کمتر توجهی به مناطقی مثل سیستان و بلوچستان و کویر داشته اند ثانیاً پیش از تحقیق و حفاری در این محل اکثر دانشمندان و باستان شناسان در کتب خود «بکار بردن سنگهای بزرگ و حجیم بدون ملات» را از ویژگیهای معماری هخامنشی دانسته اند در حالی که در این جا مصالح اصلی از گل خام بوده است (مثل شهر بلخ و یا ساختمانهای دوران پادشاهی داریوش اول که یکی از نمونه های آن بنای معروف خزانه داریوش در تخت جمشید است). معماری تخت جمشید و پاسارگاد و شوش و غیره نموداری از هنر شاهی آن زمان است و نمیتواند مبین واقعی هنر توده های مردم عصر خود باشد و جهت شناخت هنر واقعی مردم آن دوران